

۲مه ۲۰۱۰



تبارک

چرا توقف کنم؟
[...]

نهایت تمامی نیروها
پیوستن است، پیوستن
به اصل روشن خورشید

فراخوان یهودیان اروپا برای عدم حمایت از شهرک‌سازی اسرائیل آخرین
دیوارهٔ سنگر فاشیسم در اروپا را شکافت. این فراخوان که روز سوم ماه مه
- فردا - در پارلمان اروپا به بحث گذارده خواهد شد، به امضاء یهودیان



جستجو ندارند. این عالیجنابان کنترل مجاری ادرار و مدفوعشان را هم از دست داده‌اند. به همین دلیل است که تهاجم سگ‌های‌هار به مارکس، فروید و مهاتما گاندی، رهبر استقلال‌طلبان هند شدت یافته.

امروز می‌پردازیم به نشانه‌های «پانیک» محافل استعماری و جیره خواران‌شان در کشورهای مسلمان‌نشین. همچنانکه در وبلاگ «پان و پکن» گفتیم، هم فرد دچار «پانیک» می‌شود و هم گروه، اما پانیک «محافل» حکایت دیگری دارد. این روزها به دلیل افلاس سرمایه‌داری غرب، محافل استعماری قصد

سرشناسی رسیده که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مدافع بی‌قید و شرط تهاجم نظامی اسرائیل به لبنان و طرفدار لشکرکشی‌های وحشیانه ناتو به یوگسلاوی، عراق و افغانستان بوده‌اند. از آنجمله‌اند، «برنارهارنی‌لوی» و «آلن فینکل‌کراوت»، از مدافعان سیاست «یک کشور، یک مذهب». فراخوان مذکور چند روز متوالی در «لوموند» منتشر شد، و واکنش رسانه‌ها به این فراخوان جز سکوت هیچ نبود! به زبان ساده‌تر اوضاع چنان خراب است که سیلورسلطنه‌ها از شدت ترس نه تنها کور و کر و لال شده‌اند که برای قضای حاجت نیز به دنبال تل نریده نمی‌گردند، چرا که فرصتی برای

بازگشت به دوران نورانی پیشوای روشن ضمیرشان «آدولف هیتلر» را کرده‌اند. همان گذشتهٔ رویائی و انسان ستیز که به جنگ جهانی دوم و شکست ارتش هیتلر انجامید و در قالب دروغ شاخدار «مبارزه با کمونیسم» به آمریکا، آمریکای لاتین و کشورهای مسلمان نشین اسباب کشی کرد، و اینگونه بود که اروپای غربی به «ویرترین» دموکراسی تبدیل شد. پیشتر با تکیه بر تحقیقات مستند مورخین به حمایت پنهانی و یکپارچهٔ غرب از موسولینی، هیتلر، فرانکو، سالازار و دیگر دیکتاتورهای خدادوست اشاره کرده‌ایم. همچنین گفتیم همین سیاست مزورانه همزمان از تجاوزات نظامی اسرائیل و جنایات افراط گرایان اسلامی پشتیبانی می‌کند.

پیش از ادامهٔ مطلب یادآور شویم ویراست‌های متفاوتی از اسطورهٔ «پان» وجود دارد. «هومر» او را چنین سروده: «هنگام تولد به هیولائی می‌مانست، مادرش او را رها کرده گریخت. و هرمس، پدرش او را به کوه المپ برد و همهٔ خدایان از دیدار او شاد شدند.» و به این دلیل او را پان می‌نامند. «پان» به «همه» ارجاع می‌دهد و همچنانکه گفتیم این روزها «همه» به پانیک دچار شده‌اند. از پان ایرانیست‌ها گرفته که روز جهانی کارگر را برای حفظ تمامیت ارضی کشور برگزیده‌اند، تا چپ‌نمایان جمکران که به بهانهٔ انتقاد از موسوی و خمینی جلاد به مداحی آخوند منتظری نشسته‌اند و... و قلم به مرزهای غرب که به جان مارکس و فروید افتاده‌اند، و شاید آن‌ها که برای زیارت «کفن» فرضی مسیح به «تورینو» می‌روند نیز پانیک کرده‌اند!

آنچه واتیکان پس از ۱۰ سال به عنوان «کفن مسیح» به معرض تماشای «مردم» می‌گذارد، یک تکه پارچهٔ سفید رنگ است که طبق آزمایش‌های «کربن - ۱۴»، قدمت‌اش از شش سده فراتر نمی‌رود! به عبارت دیگر این پارچه هیچ ارتباطی با امپراطوری رم باستان در دو هزارهٔ پیش ندارد که آخوندهای واتیکان بتوانند آنرا به نحوی به مسیح وصله کنند. همه می‌دانند این پارچه متعلق به قرون

وسطی است، پس از آزمایش‌های کربن، کلیسای کاتولیک هرگز رسماً تأیید نکرده که پارچهٔ کذا کفن مسیح است، اما «مردم» همچنان برای دیدار آن صف می‌کشند و هیچکس هم مزاحم‌شان نمی‌شود! هیچکس این جماعت را احمق و خرافاتی نمی‌خواند و نمی‌خواهد از نظر «علمی» به آنان ثابت کند که پارچهٔ مذکور نمی‌تواند کفن مسیح باشد. دولت ایتالیا هم مردم را مجبور نمی‌کند که در برابر پارچهٔ کذا موضع‌گیری کنند. و این نمونه‌ای است از دموکراسی در کشور ایتالیا. همه در باورهای خود آزاداند ولی هیچکس حق ندارد باورهای خود را به دیگران تحمیل کند، همچنین «باور دولتی» هم وجود ندارد. به عبارت دیگر دولت‌مردان نمی‌توانند اعتقادات مذهبی‌شان را به جامعه تحمیل کنند. نمونهٔ ایتالیا از این نظر اهمیت دارد که این کشور نه تنها مقرر واتیکان است که مسیحیان راست‌گرا هم زمام امور آن را به دست دارند. و اما در مقایسه با دموکراسی لرزان ایتالیای کاتولیک با دولت مسیحی و راست‌گر، حکومت اسلامی جمکران تجلی تمام و کمال «توحش» و قانون شکنی است.

در سرزمین قدکوتاهان

معیارهای سنجش همیشه برمدار صفر سفر کرده‌اند

چه می‌تواند باشد مرداب

[...] جز جای تخم‌ریزی حشرات فساد

در این حکومت هیچکس پاسخگو نیست، ولی همه در کلیهٔ امور دخالت می‌کنند. از آنجمله است قوم و قبیلهٔ لاریجانی، شامل قبیلهٔ مطهری، توکلی، و ... و هم محفلی‌های‌شان که از منابع مهم شایعه‌پراکنی «بی‌بی‌سی» و انتشار مطالبات لندن به شمار می‌روند.

به عنوان نمونه، «الیاس نادران» شایعات مطلوب بی‌بی‌سی را در «وبسایت الف» متعلق به احمد توکلی، پسرخاله لاریجانی منتشر می‌کند، سپس بی‌بی‌سی به نقل از همین وبسایت گزارش «موثق» خبری به خورد شوت‌وپرت‌ها می‌دهد! آخرین گزارش «موثق» تحت عنوان «انتصابی با شائبه هدف‌گیری انتخابات‌های آتی» در سایت بی‌بی‌سی، مورخ ۲۹ آوریل ۲۰۱۰ انتشار یافته. نخست می‌باید به مسئولین فرهیخته «بی‌بی‌سی» یادآور شویم که «انتخابات» مانند عملیات، جزئیات، و ... از نظر دستوری اسم‌جمع است و آنرا جمع نمی‌بندند!

افکار سردخانه

را جنازه‌های باد کرده رقم می‌زنند

باری دعوا طبق معمول بر سر چپاول است و مدعی هم کسی نیست جز همان الیاس نادران که اینبار به انتصاب مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران اعتراض کرده. به عبارت دیگر، لندن با این انتصاب موافق نیست. یادآور شویم احمد توکلی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، از آنجا که پسرخاله لاریجانی است وبسایت الف را به مرکز شایعه‌پراکنی و تشویش افکار عمومی تبدیل کرده. ولی نه تنها دادستان کل او را به دلیل قانون‌شکنی تحت پیگرد قانونی قرار نمی‌دهد که قوه قضائیه نیز همه شاکیان را دست به سر می‌کند، چرا که رئیس قوه قضائیه هم پسرخاله همین توکلی است و خلاصه قوای مقننه و قضائیه تحت نظارت غلام‌بچگان سفارت کذا باد در بادبان توکلی انداخته‌اند. البته ماجرا به برادران لاریجانی و پسرخاله‌شان ختم نمی‌شود. علی‌مطهری، برادر عیال پاسدار لاریجانی نیز به همه امور دخالت می‌کند و اظهارات ابلهانه‌اش در «بی‌بی‌سی» منعکس می‌شود، چرا که از زبان طالبان‌پروران لندن سخن می‌گوید. گویا علی‌مطهری از الگوی علی مطلوب ممد تقی رهبر یعنی علی «شلاق به دست» پیروی می‌کند و مترصد است تا بی‌حجابان را مجازات کند.

نامرد در سیاهی
فقدان‌مردی‌اش را پنهان کرده است
و سوسک...آه!
وقتی که سوسک سخن می‌گوید!

علی مطهری که به دلیل کوری ناشی از مفتخوری و توحش، قادر نیست فقر و فسادمالی را در کشور ببیند، از اینکه زنان ورزشکار «بدون حجاب» در مسابقات ورزشی ظاهر شده‌اند به شدت «پارس» کرده. متأسفانه هیچک از آش‌پرستان مدافع فرضی حقوق زنان به عربده‌جویی این اوباش‌زاده واکنشی نشان نداده، چرا که آش‌پرستان اگر چه به روی خودشان نمی‌آورند، در واقع از حامیان سلطه آخوند و تحمیل باورهای مقدس بر زنان ایران هستند، به همین دلیل نیز جایزه سیمون دوبووار به اینان اهداء شد. با توجه به اظهارات آن اوباش‌زاده و سخنرانی احمقانه پاسدار لاریجانی در ایسنا، با بی‌صبری منتظریم یک جایزه سیمون دوبووار هم به علی کوچیکه و برادر عیال‌اش بدهند که هر دو «علی» هستند، و از نظر توحش و حماقت هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند. هر دوی اینان از مدافعان سرسخت حقوق «زن در کفن» به شمار می‌روند. یادآور شویم سخنان لاریجانی که در وبلاگ «پان و پکن» نیز به آن اشاره شد با کد: ۸۹۰۲-۰۶۳۱۲ در سایت ایسنا، مورخ ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹ انتشار یافته.

مرا به زوزه دراز توحش
در عضو جنسی حیوان چکار
مرا به حرکت حقیر کرم در خلاء گوشتی چکار

علی کوچیکه در این سخنان شیوا، گذشته از جفتک‌پرانی به «گاو پرست‌ها»، در مورد گورستان هم سخنان ابلهانه‌ای بر زبان رانده و ادعا کرده «تفکر اسلامی» چنین ایجاب می‌کند که مردم به هر جا می‌نگرند مرگ را به یاد آورند، چرا که به زعم علی کوچیکه، «مرگ بخشی از زندگی

است»، نه پایان آن. رئیس مجلس گورکن‌ها همچنین کشف کرده که در غرب گورستان را خارج از شهر می‌سازند! نمی‌دانم غرب مورد نظر پاسدار لاریجانی کجا واقع شده که ما آنرا ندیده‌ایم. در هر حال، همانطور که به نظر می‌رسد «پانیک» بر علی‌کوچیکه حاکم شده و خوب هذیان می‌گوید:

«در زندگی اسلامی، مرگ بخشی از زندگی است [...] در تفکر اسلامی قبور در درون شهرها روستاها و حتی تفرجگاه‌ها قرار دارد؛ در حالیکه در غرب، قبرستان دور از شهرها ساخته شده است [...] جامعه‌ای که از لحاظ نظافت اخلاقی در طراز درستی نباشد، ذهن‌ها را منحرف می‌کند.»

بله وقتی ارباب پانیک می‌کند نوکران دیگر جای خود دارند. علی‌کوچیکه هم همانطور که می‌بینیم ذهن‌اش «منحرف» شده، حتماً دلیل این است که تراز «نظافت اخلاقی» در جامعه درست نیست! و اگر ناوشکن‌های ترومن در خلیج فارس حضور نمی‌داشت، مسلماً محفل علی‌کوچیکه را باد برده بود. بی‌دلیل نیست که پاسدار شریعتمداری در کیهان دست به دامان شاهدخت اشرف پهلوی شده و از آن آستان مقدس حاجت می‌طلبد، البته با توسل به همان شیوه واژگون‌نمایی. بازجوی ساواک همزمان اشرف پهلوی، مهنراز افخمی و ناصر مستشار را به کمک طلبیده! مهنراز افخمی را هم «بهائی سکولار» می‌خواند! تو گوئی بهائی و سکولار بودن «جرم» است! خلاصه این مسائل ریشه در شهادت اسکله نفتی بریتیش پترولیوم در خلیج مکزیک دارد. به گزارش «فرانس پرس»، یک اسکله دیگر هم در کانال لوئیزیانا به افتخار شهادت نائل آمد و خلاصه بگوئیم اوضاع سخت قمر در عقرب شده. می‌دانیم که روز ششم ماه مه در انگلستان انتخابات است و اگر هیچیک از احزاب کارگر و محافظه‌کار نتوانند اکثریت قاطع به دست آورند، حزب لیبرال دمکرات تبدیل می‌شود به داور نهائی. در اینصورت، تراز «نظافت اخلاقی جامعه» بیشتر در هم

می‌ریزد! البته کارفرمایان «بی‌بی‌سی» حواس‌شان جمع است و چنین «احتمالاتی» را غیرممکن نمی‌دانند، از اینرو مسیر تخریب را تغییر داده و از تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۱۰، مغلطه پیرامون آزادی، انتلکتوئل و روشنفکر را آغازیده‌اند.

چرا توقف کنم؟
من از عناصر چهارگانه اطاعت می‌کنم
و کار تدوین نظامنامه قلبم
کار حکومت محلی کوران نیست

همزمان با پخش وقوفیه جمعه، سایت «بی‌بی‌سی» در مطلبی تحت عنوان «انتلکتوئل کجا، روشنفکر کجا!» به نقل از «علیزاده طوسی» پس از بهم یافتن آسمان به ریسمان و پیوند مشروطه به عصر روشنگری، تلویحاً به ما می‌گوید، امام محمد غزالی، که در قرن پنجم هجری می‌زیسته نه روشنفکر بوده، نه انتلکتوئل چرا که به آزادی زن اعتقاد نداشته! در صورتیکه اگر بقال سر کوچه به آزادی زن اعتقاد داشته باشد، انتلکتوئل به شمار می‌رود. باید ببینیم چه کسی می‌تواند اروپای قرن هجدهم میلادی را با بلاد اسلام در قرن پنجم هجری به قیاس کشیده، واژگان پس از رنسانس را به دوران محمد غزالی انتقال دهد؟ چنین کاری مسلماً فقط از عهده همان بقال سرکوچه برمی‌آید:

«اصل [...] کلمه روشنفکر در اروپای قرن هجدهم [...] معنی پیدا کرد، و چون فرمانروائی عقل یا خرد بر زندگی [...] انسان در آن عصر شروع شده بود [آنها] عصر خرد نامیدند [...] در مورد محمد غزالی بعضی‌ها می‌گویند انتلکتوئل بود، بعضی‌ها می‌گویند روشنفکر بود، و بعضی‌ها می‌گویند هر دو [...]»

باید بگوئیم این «بعضی‌ها» که زمان و مکان را نفی می‌کنند، فاشیست و شارلاتان هستند، چرا که عصر

روشنگری ریشه در «اومانیسم» داشت و تا آنجا که ما می‌دانیم «غزالی» تیره‌اندیش با اومانیسیم چندان نسبتی نداشته، و جوامع مسلمان‌نشین از نظر تجربهٔ تاریخی هرگز به مرحلهٔ اومانیسیم و انسان‌محوری نرسیده‌اند! در نتیجه، متفکر کبیر کذا در قرن پنجم هجری نمی‌تواند «روشنفکر» تلقی شود! بقال سرکوجه هم صرفاً به دلیل مخالفت با نظرات متحجر این «روشنفکر» قرن پنجم، نمی‌تواند روشنفکر شود:

«اگر یک متفکر کبیر قرن پنجم هجری بگوید زن در حقیقت بندهٔ مرد است [...] و بقال حقیر سرکوجه همان متفکر کبیر بگوید [...] من به زعم اعتماد دارم. او هم مثل من آدم است و آزاد [...] به نظر شما از این دو تا مرد کدام‌شان روشنفکر است؟»

چه پرسش‌های عالمانه و سرشار از مغلطه‌ای! روشنفکر باید قادر به تفکر و ارائهٔ نظریهٔ منسجم و مستدل باشد، بقال سرکوجه جنابعالی نظریهٔ منسجم و مستدل ارائه داده؟ نه! او نظر شخصی خود را بیان می‌کند. باید پرسید این بقال روشنفکر اگر به همسرش «اعتماد» نمی‌داشت، باز هم حاضر بود از آزادی زن دفاع کند یا ترجیح می‌داد «ضعیفه» را طبق احکام شرع در خانه محبوس فرماید؟ البته نمی‌باید از «بی‌بی‌سی» به دلیل شارلاتانیسم و تحریف ایراد گرفت! امروز فیگارو یک کتاب معرفی کرده به قلم شیوای «میشل اونفره». اونفره یکی از هزاران هوچی سازمان ناتوی فرهنگی است که وظیفه‌شان تخریب انسان است. تخریب انسان به سادگی و از طریق برچسب زدن و شایعه‌پراکنی محقق می‌شود. به عبارت دیگر «اونفره» از پیروان مکتب شهید مک کارتی به شمار می‌رود. باری این نویسندهٔ صاحب‌نظر فروید و نظریهٔ او را مردود دانسته! البته فلاسفهٔ شناخته شده‌ای فروید را در مرحلهٔ «ادبیات» متوقف می‌کنند و نظریهٔ او را «علمی» نمی‌دانند. ولی دلایل «اونفره» نامرئی است و از چارچوب فرمایشات الهی فراتر نمی‌رود. گویا به میشل اونفره مقدار زیادی «ملین» داده‌اند، بعد هم ایشان را برای خلق این اثر «گرانسگ» روی صفحات کاغذ به حال خود رها کرده باشند! نتیجهٔ «کار مضاعف» ایشان هم به انتشارات «گراسه» ارسال شده. برای آگاهی از مسیر پروپاگاندا انسان‌ستیز ناتو بهتر است به «پیام» یکی از کاربران فیگارو نیز توجه کنیم که از

فرصت استفاده کرده، و از قول کارل پوپر، مارکسیسم و روانکاوی را بزرگ‌ترین کلاهبرداری قرن می‌خواند!

همکاری حروف سربی بیهوده است
همکاری حروف سربی
اندیشهٔ حقیر را نجات نخواهد داد

پوپراز روانکاوی چه می‌دانسته؟ مسلماً هیچ! برای مزخرفگوئی و برچسب زدن هیچ نیازی به دانش و شناخت و آگاهی نیست. ما با بی‌صبری منتظریم «بی‌بی‌سی» آثار گرانهای پوپر در نقد مارکسیسم و نظریهٔ فروید را از همان بقال روشنفکر سرکوجه ابتیاع کرده دراختیار مشتاقان قرار دهد.

چرا توقف کنم؟
[...]

من از سلالهٔ درختانم،

با تهاجم به مارکس و فروید هیچکس نمی‌تواند به گذشتهٔ رویائی باز گردد. اگر گروهی متفکران نظریهٔ فروید را در ساختار انسان‌شناختی آن مورد تردید قرار می‌دهند، در تجربهٔ بالینی، این نظریه به نتایج عملی و ملموس دست یافته. هر اوباشی می‌تواند فروید را متهم کند، ولی هیچکس، حتی قادر متعال نمی‌تواند تجربهٔ فروید، و به طور کلی نظریهٔ متفکران مدرنیته را از تاریخ بشریت بزدايد! به همین دلیل بازگشت به دوران پیش از فروید غیرممکن است.

مرا تبار خونی گل‌ها به زیستن متعهد کرده
تبار خونی گل‌ها، می‌دانید؟
(فروغ فرخزاد)